

عمل‌گرایی «چهارم»

سیاست خارجی دولت در حوزه منطقه‌ای و جذب ایرانیان خارج از کشور عملکرد قابل قبولی داشت

مصطفی زهرانی

استاد دانشگاه و دیپلمات پیشین



انتخاب مسعود پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهوری ایران در تابستان ۱۴۰۳ نقطه عطفی در تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی بود. این انتخاب در شرایطی رخ داد که جامعه ایرانی درگیر نوعی یأس و از یک طرف هم تحت تأثیر شوک سانحه بالگرد رئیس‌جمهوری و انتخابات زودهنگام بود. مسعود پزشکیان با وعده‌های اصلاحات داخلی، بهبود روابط خارجی و کاهش فشارهای اقتصادی، توانست بخش قابل توجهی از مردم را از جمله کسانی که در انتخابات قبلی غایب بودند به پای صندوق‌های رأی بکشاند. حالا، پس از یک سال از دولت چهاردهم، پرسش اصلی این است: اگر به جای گفتمان پزشکیان که مذاکره و تعامل با جهان را در اولویت قرار داده بود، جناح دیگری قدرت را به دست می‌گرفت، سیاست خارجی ایران در چه وضعیتی قرار داشت؟ این یادداشت تحلیلی است بر عملکرد یک‌ساله دولت پزشکیان در حوزه سیاست خارجی و سناریوی جایگزین، با تأکید بر این نکته که وجود دولت پزشکیان برای سیاست خارجی ایران چه وضعیتی را شکل داده و بدون آن وضعیت به کدام سو می‌رفت.

● عملکرد سیاست خارجی دولت پزشکیان

دولت پزشکیان با دو هدف کلیدی وارد عرصه شد: اصلاح روابط خارجی برای کاهش فشارهای اقتصادی و پیشبرد اصلاحات داخلی. در حوزه سیاست خارجی، اگرچه محدودیت‌های ساختاری وجود داشت اما رویکردی عمل‌گرایانه اتخاذ شد. یکی از تلاش‌های اولیه، احیای مذاکرات هسته‌ای بود. در این راستا تیم دیپلماتیک دولت سیگنال‌هایی برای مذاکره غیرمستقیم با ایالات متحده ارسال کرد. این اقدام در شرایط بازگشت دونالد ترامپ به قدرت (پس از انتخابات نوامبر ۲۰۲۴) حیاتی بود. ترامپ با ویژگی‌های شخصیتی خاص خود به عنوان فردی عجول، جاه‌طلب و به اصطلاح دهان‌بین از چهارچوب سیاست آمریکایی فاصله دارد و این فرصت‌هایی برای تعامل ایجاد می‌کند. دولت تلاش کرد از این فرصت‌ها استفاده کند و پیشنهادهایی برای مذاکره مطرح شد، هرچند نتایج ملموس مانند لغو تحریم‌ها به دست نیامده است اما بازنگه داشتن باب دیپلماسی و گفت‌وگو دستاورد مهمی است.

چرا که در صورت تعلیق یا بسته شدن آن، گشایش مجدد در این عرصه کاری بس دشوار است.

در حوزه منطقه‌ای، دولت پزشکیان در مدیریت تنش عملکرد قابل قبولی داشت. ارتباط سریع و مستقیم وزارت خارجه با مقامات دولت لبنان و حزب‌الله و همکاری با مصر در رابطه با غزه اقدامات مهمی بود. با اینکه در جنگ اخیر منطقه‌ای اسرائیل نتوانست موازنه قدرت را به نفع خود تغییر دهد، ایران با حمایت از محور مقاومت، از حمله گسترده آمریکا جلوگیری کرد.

در کنار این در جنگ ۱۲ روزه عملکرد سیاست خارجی دولت منجر به این امر شد که بیش از ۱۲۰ کشور حمله به ایران را محکوم کردند و در شورای امنیت سازمان ملل شاهد دفاع کشورهای مهمی از ایران بودیم. این موفقیت دیپلماتیک، هرچند حداقلی، نشان‌دهنده تلاش دولت برای ایجاد همراهی بین‌المللی است. اگر دولت پزشکیان نبود، چنین مدیریتی ممکن نمی‌شد و احتمالاً ما به سمت قطعنامه‌های جدید شورای امنیت سوق داده می‌شدیم.

در حوزه اقتصادی-خارجی نیز گام‌هایی برداشته شد. تلاش برای بهبود روابط با اروپا، در شرایطی که چالش‌های میان دو طرف افزایش یافته بود، دشوار بود. مذاکرات برای کاهش تحریم‌ها ادامه یافت و همزمان ایران توانست مبادلات تجاری با کشورهای مانند چین و روسیه را تقویت کند.

● سناریوی فرضی: اگر جناح دیگر قدرت را به دست می‌گرفت

حال فرض کنیم جناح دیگری در انتخابات پیروز می‌شد. این جریان رویکردی ضد دیپلماتیک دارد. در چنین شرایطی، سیاست خارجی ایران به سمت تقابل حداکثری پیش می‌رفت. من بارها گفته‌ام که این جریان مذاکره را خیانت می‌داند و حتی مذاکره غیرمستقیم را رد می‌کند. در دوران دوم ترامپ که به دلیل ویژگی‌های شخصیتی‌اش آماده تعامل بود، عدم مذاکره می‌توانست به فاجعه منجر شود. اسرائیل با لابی‌گری قوی در واشنگتن، توانست ترامپ را به سمت خود بکشد اما دولت پزشکیان با دیپلماسی پنهان و غیرمستقیم تا ماه‌ها از جنگ جلوگیری کرد. در صورت استقرار جناح مقابل در پاستور، این فرصت‌ها از دست می‌رفت و ایران احتمالاً با قطعنامه‌های جدید شورای امنیت، تشدید تحریم‌ها و حتی خطر حمله نظامی گسترده آمریکا مواجه می‌شد. در چنین سناریویی نتایجی که سال‌ها آرزوی حمله آمریکا به ایران را داشت، شانس بیشتری برای موفقیت پیدا می‌کرد.

این جریان همچنین در حوزه داخلی-خارجی ناکام می‌ماند. من اعتقاد دارم انسجام داخلی برای سیاست خارجی موفق حیاتی است. دولت پزشکیان تلاش کرد با اطلاع‌رسانی بهتر و جذب ایرانیان خارج از کشور، اعتماد عمومی را تقویت کند. اما جناح دیگر، احتمالاً با رویکرد خود، رسانه‌های داخلی را تضعیف می‌کرد و باعث می‌شد مردم به شبکه‌هایی مانند اینترنشنال-که به باور من اطلاعات را به اسرائیل می‌رساند-گرایش پیدا کنند. میلیون‌ها ایرانی خارج‌نشین که از ثروتمندترین جوامع مهاجر هستند در این سناریو هیچ انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در ایران نداشتند. من همیشه این سؤال را مطرح می‌کنم: چرا ایرانی‌ها وقتی از کشور خارج



می‌شوند، سرمایه‌شان را هم خارج می‌کنند؟ این در حالی است که دولت پزشکیان سیگنال‌هایی برای امنیت سرمایه‌گذاری ارسال کرد.

● مقایسه و نتیجه‌گیری

مقایسه دو سناریو کاملاً روشن است: دولت پزشکیان با وجود کاستی‌ها برای سیاست خارجی ایران مفید بود. مردم در شرایط سرخوردگی به پزشکیان رأی دادند چون او را آخرین امید خود می‌دیدند. اگر جناح دیگری قدرت را می‌گرفت، ایران به دوران احمدی‌نژاد بازمی‌گشت: شش قطعنامه شورای امنیت و انزوای کامل. در حالی که پزشکیان، مانند هاشمی، خاتمی و روحانی با همان رهبری واحد نظام، دستاوردهایی داشت.

اگر دولت پزشکیان نبود، سیاست خارجی ایران در باتلاق تقابل فرو می‌رفت. تشدید تنش با آمریکا و اسرائیل، ازدست‌رفتن فرصت‌های دیپلماتیک و فقدان انسجام داخلی، وضعیت را به مراتب بدتر می‌کرد. پزشکیان با تمرکز بر مذاکره امید به گشایش ایجاد نمود. نظام حکمرانی باید اصلاحاتی را انجام دهد: اطلاع‌رسانی شفاف، اعتمادسازی با مردم و جذب ایرانیان خارج از کشور. بدون این‌ها، حتی پزشکیان نمی‌تواند معجزه کند. انتخاب او بهترین گزینه در میان امکانات موجود بود و بدون حضور او ایران هزینه‌های سنگینی می‌پرداخت. >

اگر
پزشکیان
نبود



برند
حکایت

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویژندنامه